

# جهانی دیگر با پایان دادن به گرمایش زمین

جاناتان نیل

ترجمه پروانه قاسمیان و نینا قرنی



نشر اختران

## فهرست

۷	پیش درآمد
۱۱	بخش یکم: ابعاد فاجعه
۱۲	فصل ۱: تغییرات اقلیمی ناگهانی
۳۰	فصل ۲: مشکل از توده مردم فقیر نیست
۴۴	فصل ۳: فداکاری، راه حل نیست
۵۹	بخش دوم: راه حل های امروزی کارآمد و مفید
۶۰	فصل ۴: اقدام فوری
۷۳	فصل ۵: تولید برق از انرژی پاک
۹۲	فصل ۶: ساختمان ها
۱۰۷	فصل ۷: حمل و نقل
۱۲۶	فصل ۸: صنایع
۱۳۹	فصل ۹: راه حل های ناکارآمد کنونی
۱۶۰	فصل ۱۰: متان و جنگل ها
۱۶۷	بخش سوم: چرا ثروتمندان و قدرتمندان اقدامی نمی کنند
۱۶۸	فصل ۱۱: نتولیرالیسم و سود
۱۹۴	فصل ۱۲: قدرت شرکت ها
۲۱۷	فصل ۱۳: رقابت و رشد
۲۲۵	بخش چهارم: سیاست های اقلیمی
۲۲۶	فصل ۱۴: راهی به سوی کیوتو
۲۵۱	فصل ۱۵: سیاست گذاری های آب و هوایی بعد از سال ۲۰۰۱
۲۸۵	فصل ۱۶: راه حل های فردی و راه حل های بازار
۳۱۳	بخش پنجم: آینده جایگزین ها
۳۱۴	فصل ۱۷: مصایب سرمایه داری
۳۵۰	فصل ۱۸: جهانی دیگر ممکن است
۳۷۵	کتابنامه

## پیش درآمد

بشر نمی‌تواند به‌طور کامل جلوی تغییرات آب و هوایی را بگیرد اما می‌تواند از بروز فاجعه جلوگیری کند و روند اثرات تغییرات ناگهانی آب و هوا را متوقف سازد. درغیراین‌صورت بسیاری از گونه‌های موجودات زنده نابود می‌شوند و صدها میلیون انسان از قحطی، گرسنگی، تشنگی، بیماری، غارت و جنگ خواهند مرد.

علت اصلی گرمایش زمین گاز دی‌اکسید کربن است که از سوزاندن نفت، گاز و زغال‌سنگ حاصل می‌شود. برای حفظ و تعادل میزان  $CO_2$  هوا در حد مطلوب، کشورهای ثروتمند باید سرانه به میزان حداقل ۸۰ درصد از سوخت خود را در ۳۰ سال آینده یا کمتر قطع کنند. این هدف دور از دسترس به‌نظر می‌آید اما امکان‌پذیر است. می‌توان سراسر دنیا را پر از توربین‌های بادی و نیروگاه خورشیدی کرد، باید به مصرف سوخت‌های فسیلی پایان داد. بیشترین مقدار انرژی در ساختمان‌ها، حمل‌ونقل و صنایع مصرف می‌شود. بهترین راه‌حل، عایق‌کاری خانه‌ها، خاموش کردن دستگاه‌های تهویه مطبوع، جایگزین کردن اتومبیل شخصی با اتوبوس، قطار و مترو، و ساماندهی صنایع است.

جورج بوش و رهبران دیگر جهان می‌گویند که ما نمی‌توانیم این تغییرات را اعمال کنیم، چون هزینه آنها سنگین است. برای مثال بوش می‌گفت که با شروع چنین تغییراتی آمریکایی‌ها مشاغل خود را از دست می‌دهند و با تغییرات شدید در استانداردهای زندگی روبرو می‌شویم که مردم عادی هرگز آن را نمی‌پذیرند و به آن اعتراض می‌کنند. بنابراین سیاستمداران نمی‌توانند به چنین اقداماتی دست زنند.

کمی فکر کنید معنای «هزینه سنگین» چیست. مگر جز این است که برای ساخت توربین بادی، عایق‌سازی ساختمان و احداث خط آهن به

کارگران دلار، پوند و روپیه پرداخت می‌شود، پس هزینه سنگین به معنای اشتغال بیشتر است.

با نگاهی به آنچه در جنگ جهانی دوم روی داد می‌بینیم که تمام قدرت‌های بزرگ کل اقتصاد خود را برای تولید سلاح تغییر دادند تا با کشتار هرچه بیشتر، در جنگ پیروز شوند. این یعنی میلیون‌ها شغل بیشتر که جهان را از رکود بزرگ اقتصادی درآورد. در این مقطع نیز به اقدامی مشابه در ابعاد جهانی نیاز است با این تفاوت که این بار می‌خواهیم تا حد ممکن جان انسان‌ها را نجات دهیم.

چنین تغییراتی از قضا سودآور است. جهان سالانه یک تریلیون دلار برای اسلحه و نظامیگری هزینه می‌کند در حالی که جمعیت قابل توجهی همچنان بدون شغل‌اند. برای جلوگیری از گرمایش جهانی فداکاری لازم نیست. در عوض لازم است به فقر جهانی حمله کنیم.

در هر صورت، اکثر دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی در ۳۰ سال اخیر برای نئولیبرالسم و جهانی‌سازی دلیل می‌تراشند که بر چند مفهوم ساده دلالت دارد. اول این که «خصوصی خوب است، دولتی بد است». دومین مفهوم این که «سود از نیاز بشر مهم‌تر است». سومین و مهم‌ترین موضوع این است که «ناگزیر نیستید به بازار اولویت دهید اما چون از آن خلاصی ندارید، جایگزین دیگری وجود ندارد».

مهم‌ترین مانع مقابله با روند بازار، نظریه حاکمیت در عصر ما است. در حال حاضر پول و قدرت قوی‌ترین سلاحی است که پشت این نظریه است و به این راحتی‌ها از آن دست نمی‌کشند. اگر دولت‌ها در زمینه آب و هوا و در ابعاد جهانی مداخله کنند، مردم خواهند گفت: «اگر شما می‌توانید مشکل هوا را حل کنید، پس چرا مشکلات درمان، آموزش، بازنشستگی و... را حل نمی‌کنید.»

مسئله قدرت‌ها و منافع آنان مغایر چنین طرز فکری است.

همچنین تعدادی از شرکت‌ها نیز به دلایل خاصی در مقابل اقدامات مؤثر برای مقابله با گرم شدن زمین مقاومت می‌کنند. در سال ۲۰۰۷ شرکت وال مارت بزرگ‌ترین شرکتی بود که مخالف این اقدامات بود و بعد از آن

شرکت‌های اگزان موبیل (۲)، شل (۳)، بریتیش پترولیوم (۴)، جنرال موتورز (۵)، تویوتا (۶)، شورون (۷)، دایملر کرایسلر (۸)، کونوکو فیلیپس (۹) و توتال (۱۰) به ترتیب در فهرست ده شرکت مخالف قرار دارند، که شامل شش شرکت نفتی، سه شرکت اتومبیل‌سازی و یک شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای (در حاشیه شهرهای بزرگ و دارای پارکینگ) است. لشکری از این شرکت‌های قدرتمند وجود دارد که هر اقدامی برای رفع معضل آب و هوا، به معنای مرگ آنهاست.

بوش و چنی و رایس نمایندگان شرکت‌های سوخت فسیلی هستند که هرکاری از دستشان برآید انجام می‌دهند تا جلوی اقدامات مؤثر را بگیرند. حال آنکه بسیاری از ثروتمندان و قدرتمندان دیگر خواستار آن‌اند که اقداماتی صورت گیرد. این گروه دوم خود را مالک جهان می‌دانند اما نمی‌خواهند آن را نابود کنند. این شرکت‌ها به حفظ محیط زیست علاقه دارند اما توان مقابله با شرکت‌های فوق را ندارند و میزان دفاع آنان از محیط زیست برای حل مشکل هوا کفایت نمی‌کند.

مثلاً در پیمان کیوتو تصریح شده که کشورها باید ۵ درصد از گازهای گلخانه‌ای خود را کاهش دهند که تازه آن هم ضمانت اجرایی ندارد در حالی که در سطح جهانی حداقل به ۶۰ درصد کاهش نیاز است. یا اگر به فیلم ال گور - حقیقت تلخ - نگاه کنید، ۹۰ دقیقه اول فیلم خیره‌کننده است و به جهانیان هشدار می‌دهد و فقط یک دقیقه پایانی آن درباره "چه باید کرد؟" است و تنها فهرستی از اقدام‌های کوچک ارائه می‌دهد که تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند.

اگر اقدامی صورت ندهیم، قدرت بازار و شرکت‌ها، مصیبت تغییرات آب‌وهوایی را به فاجعه بشری تبدیل می‌کنند. گرمایش زمین به معنای موج گرمای بیشتر، توفان‌های سهمگین، سیل و خشکسالی است. جهان با کاهش

۱. اعداد را مجله Fortune از فهرست پانصد شرکت بزرگ جهان گرفته است. ن.ک.: [www.money.com/magazines/fortune/global500](http://www.money.com/magazines/fortune/global500). اینها ده شرکت بزرگ با ملاک بیشترین فروش‌اند. این ملاک ارائه‌کننده بهترین برآورد اهمیت سیاسی و اقتصادی و بهترین برآورد سهام در تولید ناخالص ملی است.